

اثربریاست زوج بر حریم خصوصی زوجه در حقوق افغانستان و ایران با تأکید بر فقه حنفی و امامیه

صغری محمدی^۱

چکیده

همسران، در کنار زندگی زناشویی، حریمی خصوصی دارند که می‌توانند آن را از همسر خود پنهان کرده و با او به اشتراک نگذارند. در نگاه نخست، شاید ارتباط و وابستگی عمیق زوجین به این معنا باشد که هیچ کدام از همسران، حریم خصوصی ندارند، اما با توجه به شخصیت مستقل هر یک از همسران، نمی‌توان به صرف زندگی مشترک، حقوق انسانی آنها را نادیده گرفت و حریم خصوصی را که یکی از مصادیق آزادی‌های فردی است نقض کرد. اگر چه با برقراری زندگی زناشویی و اقتضائات خاص آن، احتمال وجود محدودیت در حریم هریک از زوجین متصور است. در بحث ریاست زوج بر امور غیرمالی زوجه نیز این سؤال مطرح است که آیا نظارت یا دخالت در حریم خصوصی زوجه از آثار ریاست زوج بر امور غیرمالی زوجه است و زوج می‌تواند در حریم خصوصی زوجه مانند تلفن همراه، کیف، ایمیل و... نظارت کند یا خیر؟ در این مقاله سعی شده تا با مراجعه به متون حقوقی دو کشور افغانستان و ایران و آرای فقهای حنفی و امامیه، به این پرسش‌ها پاسخ مستدل و علمی داد.

واژگان کلیدی: ریاست زوج، حریم خصوصی، حقوق افغانستان، حقوق ایران، فقه حنفی، فقه امامیه.

۱. مفهوم‌شناسی

۱-۱. حریم خصوصی

حریم خصوصی به عنوان بخشی از زندگی انسان، در جوامع گوناگون، همواره تکریم و حمایت شده است. این اصطلاح، اصطلاحی نوظهور است که در گستره فقه و حقوق سابقه‌ای اندک دارد. با نگاهی در منابع فقهی و با تمسک به آرای حقوق دانان، می‌توان این حق را شناسایی کرده و در تعریف آن گفت که حریم خصوصی قلمرویی از زندگی هر فرد است که آن فرد انتظار دارد دیگران بدون رضایت وی، به اطلاعات راجع به آن قلمرو دسترسی نداشته یا به آن قلمرو وارد نشوند. منازل و اماکن خصوصی، جسم افراد، اطلاعات شخصی و ارتباطات خصوصی، از

۱. دانش‌پژوه کارشناس ارشد حقوق خصوصی، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعة المصطفی العالمیه، افغانستان.

مهمترین مصادیق حریم خصوصی هستند. (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۳۸)

۲-۱. ادله حریم خصوصی

حق حریم خصوصی نیز مانند هر موضوع دیگری، بر اساس و بنیانی مبتنی است که آن را ایجاد می‌کند. این حق، از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر و حقوق بنیادی هرانسان است که هم در نظام اسلامی و هم در نظام حقوقی حمایت شده است.

۳-۱. ادله قرآنی

دین اسلام به عنوان یکی از بزرگترین ادیان جهان، توجه ویژه‌ای به حریم خصوصی انسان‌ها دارد. این دین مواردی مانند سوء ظن، تجسس، غیبت، تهمت، قذف و... را که حریم زندگی خصوصی مردم را با خطر روبه‌رو می‌کند، حرام کرده است. قرآن کریم به عنوان قانون اساسی برای هدایت بشری شناخته شده و در آیات متعدد، درباره لزوم رعایت حریم خصوصی افراد به صراحت سخن گفته است.

۱-۳-۱. آیه ۱۲ سوره حجرات

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ الظَّنِّ إِثْمٌ وَلَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَبِ بَعْضُكُم بَعْضًا أَيُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید! از بسیاری از گمان‌ها بپرهیزید؛ زیرا بعضی از گمان‌ها گناه است و هرگز در کار دیگران تجسس نکنید و هیچ یک از شما دیگری را غیبت نکند، آیا کسی از شما دوست دارد که گوشت برادر مرده خود را بخورد؟! به یقین همه شما از این امر کراهت دارید. تقوای الهی پیشه کنید که خداوند توبه‌پذیر و مهربان است.

خداوند متعال در آیه ۱۲ سوره حجرات، حکم ممنوعیت سوء ظن، تفتیش و غیبت را بیان کرده است. این آیه، بر منع تجسس در امور و احوال دیگران دلالت دارد. این منع از تجسس، شامل همه مصادیق حریم خصوصی می‌شود مانند حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی و در روابط زوجین. بنابراین، تجسس زوجین در حریم خصوصی یکدیگر به حکم تکلیفی، حرام و مایه نكوهش شدید اخلاقی است. این آیه، بر منع سوء ظن که زمینه و مقدمات تجسس است، دلالت دارد. گمان بد و سوء ظن به دیگران، موجب تحریک حس کنجکاوی و مقدمه تجسس است. سوء ظن زوج به زوج یا زوجه به زوج، منشأ ورود هریک در حریم خصوصی دیگری می‌شود و همین سوء ظن و ورود به حریم خصوصی، باعث فروپاشی نهاد خانواده می‌شود. در ادامه این آیه، بر منع از غیبت، و در حقیقت منع از بیان عیب‌هایی دلالت می‌کند که در دیگری هست و

او از بیان آنها کراهت دارد. در مناسبات خانوادگی، اعضای خانواده به ویژه زوجین، از عیب های یکدیگر آگاهی داشته و نقل آن را برای دیگران نمی پسندند. بنابراین، منع از غیبت را می توان از ادله شناسایی حریم خصوصی در مناسبات خانوادگی دانست. تشبیه غیبت کردن به خوردن گوشت برادر مؤمن در قرآن کریم، از عمق زشتی و پلیدی ورود به حریم خصوصی شخصیت در آموزه ها و تعالیم اسلامی حکایت دارد. (نقیبی، ۱۳۸۹، ص ۸)

حکم این آیه و دستورات ناب الهی در قلمرو خانواده و به ویژه در روابط زن و شوهر، می تواند از بسیاری از مشکلاتی که زوجین در زندگی مشترک دارند، جلوگیری کند؛ زیرا گمان بد، سرچشمه تجسس، و تجسس، موجب افشای عیوب و اسرار پنهانی و آگاهی بر این امور، سبب غیبت می شود. هر کدام از این اعمال حرام، سبب ورود و نقض حریم خصوصی زوجین شده و دیگری را به عکس العمل و ا می دارد تا جایی که زندگی مشترک را در سراسیمگی سقوط قرار می دهد. خداوند متعال می فرماید: «زوجین لباس یکدیگر هستند» (بقره: ۱۸۷). بنابراین، زوجین باید حریم یکدیگر را حفظ کرده و عیوب و نقوص ظاهری و باطنی همسر خود را پنهان کنند.

۱-۳-۲. آیه ۲۷ و ۲۸ سوره نور

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّى تَسْتَأْذِنُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَى أَهْلِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ * فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّى يُؤْذَنَ لَكُمْ وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ازْجِعُوا فَازْجِعُوا هُوَ أَزْكَى لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ.

ای اهل ایمان، هرگز به خانه ای غیر از خانه خودتان وارد نشوید مگر آنکه با اهل آن خانه انس گیرید و چون رخصت یافتید، داخل شوید، به اهل آن خانه سلام کنید و این برای شما بهتر است که متذکر شوید و اگر در خانه کسی را نیافتید، وارد خانه نشوید تا به شما اجازه داده شود و اگر گفتند برگردید، برگردید که این برای پاکی شما بهتر است و خدا به هر چه می کنید، داناست.

این آیه، بر شناسایی خانه و خانواده به عنوان حریم خصوصی دلالت دارد. کلمه تَسْتَأْذِنُوا، از ماده انس و از باب افعال است. مفسران در معنای آن دو وجه را مطرح کرده اند. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵، ۳/۴۲۸)

اول) استیناس، مقابل استیحا ش است؛ زیرا کسی که در خانه دیگری را می زند، نمی داند که به او اجازه خواهند داد یا نه. بنابراین، هراسناک است که به او اذن ورود داده نشود. وقتی به او اجازه ورود داده می شود، آرام می گیرد. بنابراین، معنای آیه این است که داخل نشوید تا وقتی به شما اجازه داده شود. پس در آیه، استیناس به معنای اذن گرفتن است.

دوم) استیناس، از آنس الشی گرفته شده، یعنی آن را آشکارا دید. پس معنای آیه این است که به این مکان‌ها داخل نشوید تا وقتی که خوب بدانید و حقیقت مطلب برای شما کشف شود که آیا ورود شما خواسته شده است یا خیر؟ ابویوب انصاری می‌گوید:

به رسول خدا ﷺ عرض کردم استیناس چیست؟ فرمود هنگامی که انسان می‌خواهد به خانه‌ای وارد شود، به ذکر خدا مشغول می‌شود. صدایش را به سبحان الله و حمد و تکبیر بلند میکند و سرفه‌ای می‌کند تا به این روش از اهل خانه اذن بگیرد. معنای تسلیم آن است که سه مرتبه بگوید السلام علیکم أَدْخُلْ، یعنی سلام علیکم آیا اجازه هست وارد شوم؟ اگر اجازه دادند، داخل شود و اگر نه، برگردد. (قمی مشهدی، ۱۳۶۸، ۲۷۸/۹)

این آیات و روایات، اگرچه بر اذن ورود به خانه و شناسایی آن به عنوان حریم خصوصی دلالت دارد، اما باید گفت که ذکر خانه به عنوان حریم خصوصی، موضوعیت نداشته و شامل اذن ورود به حریم خصوصی زوجین نیز است.

۴-۱. روایات

روایات و نصوص وارده در منابع حدیثی اهل سنت و امامیه نیز، سوء ظن، جستجوگری و غیبت را منع کرده است. پیامبر اسلام ﷺ درباره ممنوعیت تجسس و حریم خصوصی اطلاعات و اشخاص می‌فرمایند: «از گمان و ظن پرهیزید؛ زیرا گمان بد، سخن را به دروغ می‌کشاند. از تجسس و جستجو در امر دیگران پرهیز کنید» (مجلسی، ۱۴۰۳، ۲۵۲/۷).

ای گروهی که به زبان اسلام آورده‌اید و ایمان در قلب شما جای نگرفته، از مسلمانان غیبت نکنید و در جستجوی عیب‌های آنها نباشید؛ زیرا هر کس در عیب جویی آنان باشد، خداوند در جستجوی عیوب او خواهد بود و آنکه خدا با او چنین کند، رسوایش خواهد ساخت، هر چند درون خانه‌اش باشد. (کلینی، ۱۴۰۷، ۳۵۴/۲) من مأمور نشده‌ام قلوب مردم را بشکافم و از درون آنها باخبر گردم. (البخاری الجعفی، ۱۴۰۷، ۱۵۸۱/۴)

هر کس در راه جستجوی عیوب و کشف لغزشهای برادرش گام بردارد، پای در آتش دوزخ نهاده و خداوند عیوب او را بر همگان آشکار خواهد کرد. (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۸۴/۱۲)

۵-۱. ادله حقوقی

در اسناد بین‌المللی، حریم خصوصی به عنوان یک حق، پذیرفته و شناسایی شده است. متعاقب این اقدامات در سطح بین‌المللی، دولت‌ها برای به رسمیت شناختن این حق، در قوانین اساسی و عادی خود مقرراتی را وضع کرده‌اند. کشورهای افغانستان و ایران نیز حریم

خصوصی را شناسایی و حمایت کرده‌اند و در قوانین عادی و اساسی خود از برخی مصادیق آن حمایت صریح یا ضمنی کرده‌اند. باید گفت که در نظام حقوقی دو کشور افغانستان و ایران، حریم خصوصی به صورت مشخص حمایت نشده، بلکه حقوق و آزادی‌هایی که با عنوان حریم خصوصی حمایت می‌شوند، انفرادی بوده و در بطن دیگر قواعد مختلف حقوقی این کشورها به صورت ناقص حمایت شده‌اند.

در قانون اساسی ایران، متن مشخصی مبنی بر حمایت از حریم خصوصی وجود ندارد، اما در اصول ۱۹، ۲۰، ۲۲، ۲۳، ۲۴، ۲۵، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۳۰، ۳۲، ۳۳، ۳۵، ۳۸، ۳۹، ۴۰ و ۴۲ توجه به برخی موارد حریم خصوصی مانند حریم خلوت، مکانی، اطلاعات و ارتباطات و حریم جسمانی را دید می‌شود. در حقوق ایران، برای رفع بخشی از این کاستی، بنده از ماده ۱۳۰ قانون برنامه چهارم توسعه، قوه قضائیه را موظف کرده تا در راستای اصل بیستم قانون اساسی، لایحه حفظ و ارتقای حقوق شهروندی و حمایت از حریم خصوصی افراد را تهیه کرده و به مراجع ذی صلاح برساند. تنها منبعی که بر حمایت صریح از حریم خصوصی تأکید می‌کند، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که دولت ایران به آن ملحق شده است.

۲. مصادیق حریم خصوصی

در روابط زناشویی بین همسران، دو نوع حریم وجود دارد. یکی حریمی که زن و شوهر نسبت به دیگران دارند و کسی بدون اجازه، حق ورود به آن را ندارند. دوم، حریمی که هریک از زن و شوهر نسبت به یکدیگر دارند و برای ورود به آن حریم، باید اذن ورود داشته باشند. تنوع و تفاوت فرهنگی و اجتماعی باعث شده که حقوق دانان، در شناسایی و شمارش مصادیق حریم خصوصی، نظریکسانی نداشته باشند. به طور کلی می‌توان چهار مصداق را برای هریک از زوجین بیان کرد. حریم اطلاعاتی، حریم ارتباطی، حریم جسمانی و حریم شخصیت. (پورعبدالله، ۱۳۹۳، ص ۲۰ و ۲۱)

۲-۱. حریم اطلاعاتی

حریم اطلاعاتی، یعنی حق اولیه افراد در محرمانه ماندن و جلوگیری از تحصیل، پردازش و انتشار داده‌های شخصی مربوط به شخص، مگر در موارد مصرح قانونی. (پورعبدالله، ۱۳۹۳، ص ۲۲) به نظر می‌رسد که داده‌های شخصی شامل تمامی مشخصات و اطلاعات شخص اعم از اطلاعات مالی، اطلاعات مربوط به سلامت جسمانی و روانی، عقاید دینی و... باشد. تا جایی که این داده‌ها با آزادی، استقلال و کرامت انسانی مرتبط است. (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۲۶۳)

با جستجو در روابط زوجین در این خصوص باید گفت اگرچه روابط عاطفی عمیق میان زوجین امکان دستیابی به اطلاعات شخصی هریک از همسران را در برابر دیگری آسان می‌کند، اما چه بسا جستجو در این اطلاعات از سوی زوج یا زوجه، واکنش همسر را در پی داشته و رفته رفته بذریعۀ اعتمادی را در روابط زوجین به وجود آورد. بنابراین، بهتر است که رازهای شخصی زوجین و زندگی خصوصی دوستان و آشنایان هر کدام از دو همسر، جزء حریم اطلاعاتی هریک از آنها بوده و نزد همسر بیان نشوند. مواردی مانند پس انداز مالی همسران پیش از بستن پیمان زناشویی و نیز میراث خانوادگی آنها، جزء داشته‌های شخصی و خصوصی هر کدام از همسران است و نیازی به، به اشتراک گذاشتن آنها با یکدیگر نیست. بنابراین، داده‌های مالی شخصی، داده‌های رایانه‌ای، تلفن همراه و مانند آن، اطلاعات شخصی هریک از زوجین پیش از ازدواج و... می‌تواند در روابط همسران، حریم اطلاعاتی تلقی شود. (پورعبدالله، ۱۳۹۳، ص ۲۲)

ممکن است برخی از مصادیق حریم خصوصی، حالت بینابین داشته باشند. برای مثال، دانستن بیماری یا اطلاعات مربوط به وضعیت جسمانی همسر، از یک جنبه ممکن است از مصادیق حریم اطلاعاتی بوده و از جنبه دیگر ممکن است از مصادیق حریم جسمانی باشد. (پورعبدالله، ۱۳۹۳، ص ۲۰ و ۲۱)

۲-۲. حریم جسمانی

حق اشخاص در حمایت و مصون بودن از تعرض تمامیت جسمانی و بدنی، از جمله جنبه‌های مرتبط با سلامت جسمی و روحی و مشخصات و خصوصیات محرمانه بدنی آنها، حریم جسمانی نامیده می‌شود. بنابراین، این مصداق در خصوص حمایت و حفاظت از تمامیت جسمانی و اطلاعات مربوط به سلامتی انسان است؛ زیرا هر انسانی به طور طبیعی، بر بدن و جسم خویش سلطه دارد و به طور فطری، خواستار آزادی و رعایت حرمت آن است. از مصادیق این نوع از حریم در روابط زوجین، می‌توان به مواردی مانند ملزم نبودن هریک از همسران به انجام فعالیت‌های ورزشی و مراقبت‌های تغذیه‌ای خاص بدون آنکه این امور در سلامت فرد تأثیر داشته باشد، اشاره کرد. هرگاه این امور، سلامت هریک از همسران و زندگی مشترک را تحت تأثیر قرار دهد، خارج از حیطه حریم خصوصی است. (پورعبدالله، ۱۳۹۳، ص ۲۴)

۳-۲. حریم ارتباطات

حریم ارتباطات، یعنی حق اشخاص در امنیت و محرمانه ماندن محتوای کلیه اشکال و صور مراسلات و مخابرات متعلق به افراد و اطلاعات مربوط به آن، تا آنجا که این ارتباط‌ها به زندگی

مشترک مربوط نباشد. این مقوله از حریم خصوصی، به طور کلی، امنیت پست های الکترونیک، تلفن، پست و سایر اشکال ارتباطات را عهده دار است. مفهوم عرفی از حریم ارتباطات، ابزارهای جدید مانند شبکه های اجتماعی است که از مصادیق عرفی ارتباطات هستند. این نوع حریم خصوصی در باب همسران می تواند به ابعادی از شخصی بودن ارتباط های هریک از زوجین با سایر افراد جامعه گفته شود. مانند انواع ارتباط های انسانی اعم از با واسطه یا بی واسطه و ارتباط های فیزیکی، حضوری و الکترونیکی و غیرمرتبط با زندگی مشترک. با توجه به وابستگی و همبستگی زوجین، شایسته است با در دسترس گذاشتن انواع ارتباط های مجازی مانند تلفن همراه، پست الکترونیک، شبکه های اجتماعی و...، همین طور ارتباط های حضوری برای همسر، بخشی از فرآیند اعتمادسازی و تعهد را به نمایش گذاشت. (پورعبدالله، ۱۳۹۳، ص ۲۴)

۴-۲. حریم شخصیت

آیه ۱۸۷ سوره بقره «هَنْ لِبَاسٍ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهَا» بر پوشش عیوب زن و مرد از یکدیگر دلالت دارد. بر اساس این آیه، زوج لباسی است که نقص ها و عیوب پنهان زوجه را پنهان تر و عیوب آشکار او را پنهان کرده و از حریم خصوصی شخصیت او نگهداری و حفاظت می کند. همچنین زوجه، لباسی است که عیوب آشکار زوج را پنهان و عیوب پنهان او را پنهان تر می کند و از حریم خصوصی شخصیت او حفاظت می کند. سترو لباس بودن زن و شوهر از عیوب یکدیگر، از مصادیق معاشرت به معروف است. (نقیبی، ۱۳۸۹، ص ۱۷)

حریم خصوصی به معنی خودخواهی و بی اهمیتی به همسر و خانواده نیست، بلکه به این معنی است که هریک از زوجین، با وجود احترام به همسر و کانون خانواده، به خودش نیز احترام گذاشته و از همسر هم، انتظار رعایت حریم خصوصی دیگری را داشته باشد. به عبارت دیگر، رعایت حریم خصوصی زوجین گویای این سخن نیست که زن و شوهر از کینه مسائل شخصی و خصوصی هم غافل باشند، بلکه به آن معناست که به احساسات و افکار یکدیگر احترام گذاشته و حقوق طبیعی شان را سلب نکنند. بنابراین، اصل بر وجود حریم خصوصی در روابط زوجین است.

۳. تراحم ریاست زوج و حریم خصوصی زوجه

ممکن است در مواردی، حق ریاست زوج، با حریم خصوصی زوجه تراحم یابد. در چنین شرایطی راه چاره چیست و کدام یک از آنها مقدم می شود؟ در پاسخ باید گفت که چون تراحم در مواردی است که دو قاعده حقوقی همزمان موضوعیت یابند، به نحوی که امکان تحقق و اجرای یکی بیشتر نباشد و شخص در مرحله عمل باید دست به انتخاب زده و یکی را انجام دهد، فقها در ارائه

راه حل اینگونه موارد، بحث مرجحات باب تزاحم را مطرح کرده‌اند. یکی از این مرجحات تقدیم اهم بر مهم است. دلیل این مرجح، عقلی است و به گفته برخی، این قاعده به قدری روشن است که اثبات آن به استدلال نیاز ندارد. (بهسودی حسینی، ۱۴۱۰، ص ۳۵۳-۳۶۱)

۳-۱. تزاحم ریاست زوج و حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوج

با توجه به آنچه بیان شد و با تعبیر ریاست زوج به عنوان یک وظیفه و تکلیف برای شوهر از سوی فقها (جوادی آملی، ۱۳۸۱، ص ۳۹۲) و حقوق دانان (امامی، بی تا، ص ۴۳۳) برای بقای نظم در خانواده و پایداری آن در مواردی ایفای این وظیفه از جانب زوج با حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوج تزاحم یافته و اعمال هر دو با یکدیگر نامقدور خواهد بود. با این توضیح که زوج، بنا به سرپرستی خویش، حق خود می‌داند که اطلاعات شخصی زوج را پایش، جستجو و رهگیری کند. از سوی دیگر، زوج نیز با استناد به حریم خصوصی خود، مانع کاوش زوج خواهد شد.

یا در فرض دیگر، زوج با اعتقاد به ریاست خویش بر امور غیرمالی زوج، خواستار تجسس در انواع ارتباطات همسر خویش از جمله ارتباطات مجازی و حضوری شده و در مقابل، زوج حریم ارتباطی خود را نقض شده می‌یابد. حال در چنین فرضی کدام یک بر دیگری تقدم می‌یابد؟ پاسخ این سؤال باید گفت که انسان اجتماعی آفریده شده و به ارتباط با دیگران متمایل است، به طوریکه می‌توان گفت ارتباط با آحاد انسانی، از حقوق هر انسانی است. با این بیان، زوج نیز از این امر مستثنا نخواهد بود. به خصوص امروزه در عصر دیجیتال و با رشد فناوری، علاوه بر ارتباطات حضوری و کلامی، انواع ارتباطات مجازی از جمله پست‌های الکترونیک، شبکه‌های اجتماعی و... رایج شده است. بنابراین، با توجه به مدنی الطبع بودن زوج و به دلالت عقلی، آن نمی‌توان به طور مطلق ریاست شوهر را دلیل پایش و جستجو در حریم ارتباطی زوج دانست. از سوی دیگر، قیومت مرد بر همسرش به این معنا نیست که از اراده زن و تصرفات وی در اموالش سلب آزادی کرده یا اینکه در حفظ حقوق فردی و اجتماعی زن و دفاع از منافعش استقلال زوج را سلب کند، بلکه زوج همچنان استقلال و آزادی خود را دارد، هم می‌تواند حقوق فردی و اجتماعی خود را حفظ کند و هم می‌تواند از آن دفاع کند و هم می‌تواند برای رسیدن به این هدف‌هایش به مقدماتی که او را به هدف‌هایش می‌رساند، متوسل شود. (طباطبایی، ۱۴۱۷، ص ۳۵۲)

به عبارت دیگر، اسلام بر زن فرض نکرده که از شوهر به طور مطلق اطاعت کند به گونه‌ای که تفکر و خواست او در زندگی خصوصی و اجتماعی‌اش مختل شود. افزون بر آن، دامنه ریاست شوهر در امور غیرمالی مانند حریم خصوصی، از دو جهت به مصلحت‌اندیشی و مراعات حقوق و

آزادی‌های شرعی و قانونی زن محصور می‌شود. (مقدادی، ۱۳۸۵، ص ۱۲۹)

چون ریاست خانواده مقامی است که برای تثبیت و مصلحت خانواده به مرد داده شده و امتیاز و حق فردی برای شوهر نیست و ریاست زوج، تنها به زوجیت و امور مربوط به مصالح خانواده محدود شده و هیچگاه متعرض حقوق و آزادی‌های مشروع زن و محدوده استقلال او نمی‌شود، می‌توان گفت که ریاست شوهر به طور مطلق، جواز نقض حریم خصوصی زوجه را ایجاد نمی‌کند. همچنین باید گفت که معاشرت به معروف به عنوان یک اصل قرآنی و قانونی ثابت و محکم، بر روابط زوجین سایه افکنده تا جایی که همه قوانین دیگر را در این باب پوشش داده و تفسیر می‌کند. (مهریزی، ۱۳۸۲، ص ۲۵۹) بنابراین، احترام به حریم خصوصی از جانب هر یک از زوجین، از موارد حسن معاشرت بوده و ریاست شوهر، مجوز نقض حریم اطلاعاتی و ارتباطی زوجه نیست، اما با دقت در روابط زوجین و اهمیت و پایداری نظام خانواده، در مواردی مانند به خطر افتادن مصالح خانواده، نقض حریم خصوصی زوجه را اقتضا می‌کند.

۳-۲. تزامم ریاست زوج و حریم ارتباطی زوجه

با تفسیری موسع از حریم ارتباطی زوجه و تسری آن به ارتباطات حضوری، این مسئله مطرح می‌شود که تزامم حریم ارتباطی زوجه و خروج وی از منزل برای ارتباط با دیگران، چگونه با حق منع از خروج زن توسط شوهر حل می‌شود؟ به دیگر سخن اگر زوج از خروج زوجه ممانعت کند و زوجه با استفاده از حق حریم ارتباطی خود، تمایل به ارتباط با دیگران و خروج از منزل بدین هدف را داشته باشد، کدام یک از این دو حق مقدم خواهد بود؟

در پاسخ به این سؤال باید گفت که حق منع خروج زن، از حقوق زوج و از آثار ریاست شوهر بر امور غیرمالی زوجه بوده و به عنوان ضمانت اجرا برای حق استمتاع زوج و از نتایج آن دانسته شده است. با این توضیح که مرد بتواند از خروج همسرش ممانعت به عمل آورد و در مقابل، زن نیز موظف باشد برای خروج از منزل از شوهر اجازه بگیرد. به نظر میرسد مطلق ممانعت زن از خروج، حتی در مواردی که با استمتاع شوهر منافعی نباشد، مغایر حسن معاشرت با زوجه خواهد بود؛ زیرا در چنین حالتی، معنای لباس بودن و موجب آرامش بودن زوجین برای یکدیگر محقق نخواهد شد. بسیاری از فقها می‌گویند مستحب است که شوهر به زن اجازه دهد که وی در مراسم سوگواری پدر و مادرش شرکت کند (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۳۱).

مرحوم صاحب جواهر در این باره می‌فرماید:

مستحب است که شوهر اجازه دهد زن، در مراسم تشییع پدر و مادرش شرکت کند؛

زیرا در منع خروج زن از منزل برای حضور در این مراسم، مشقت و نگرانی روانی و قطع رحم است و اینگونه ممانعتها، اغلب از مصادیق ایجاد ضرر روحی و روانی بر همسر بوده و با آیه ۱۹ سوره نساء، «عاشروهق بالمعروف» سازگاری ندارد. (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۱۸۳)

برخی از فقها از مردان می‌خواهند که در این امر با زنان معاشرت به معروف داشته و از خروج آنها از منزل ممانعت نکنند، مگر اینکه دلیل خاصی وجود داشته باشد. (گلپایگانی، ۱۴۱۳، ص ۱۲۷) چون صله رحم و ارتباط با ارحام و بستگان، از واجبات است (موسوی خمینی، ۱۴۲۲، ص ۴۸۷) می‌توان گفت که در خصوص واجباتی که مقدمه آن خروج از منزل است مانند انجام حج واجب، ادای دیون و صله رحم به مقدار واجب، اذن شوهر لازم نیست (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ص ۱۲۴). با استفاده از این حق، ممکن است زوج نتواند مانع ارتباط زوجه با بستگان خود شود (تبریزی، بی‌تا، ص ۵۰۰). همچنین است در مواردی که زوج از باب اضرار و اذیت، زوجه را از خروج از منزل نهی می‌کند، از اطلاق حکم کلی انصراف دارد؛ زیرا اطلاقات برای جایی است که زوج از این نهی یک خواسته منطقی دارد نه اینکه بخواهد انتقام بگیرد.

با استناد به قیاس اولویت از آیه ۶ سوره طلاق می‌توان گفت وقتی قرآن درباره زنان مطلقه چنین دستور میدهد و شوهر را از زیان و مضرت به زنان نهی می‌فرماید، در مورد همسر، به طریق اولی باید او را در مضیقه و فشار قرار ندهد. (مکارم شیرازی، ۱۴۲۴، ص ۱۲۴)

باید گفت در مواردی که زوجه می‌تواند بدون اذن همسرش از منزل خارج شده و به ارتباط و معاشرت بپردازد، این حکم نیز مطلق نیست. با این توضیح که ریاست و قوامیت زوج ایجاب می‌کند که به پاسداری از حرمت و حیثیت خانواده همت گماشته و برای حفظ و تحکیم خانواده و حراست آن از هیچ کوششی فروگذار نکند. برای نیل به این هدف، زوج می‌تواند با لحاظ مصلحت خانوادگی خویش، مراودات و ارتباطات زن را تحت کنترل درآورد.

۳-۳. تراحم حق تمکین زوج و حریم جسمانی زوجه

زن مانند هرانسانی، بر جسم خود مالکیت و تصرف دارد و با اتکا به حریم جسمانی خود، جسم خود را از تعرض و تجاوز مصون میدارد، اما بکارگیری حق مزبور با حق تمکینی که زوج با انعقاد عقد نکاح به دست آورده، می‌تواند تراحم کند، به خصوص اگر زوجه برای ارضای نیاز جنسی همسرش، از نظر جسمانی و روانی در شرایط مطلوب قرار نداشته باشد.

ظاهر کلام فقها در منابع فقهی روشن‌گر این مسئله است که تنها تکلیف خاص زوجه پس از عقد نکاح، تمکین از زوج است، به طوری که نیازهای جنسی زوج را برآورده و از او در امور زناشویی اطاعت کند. (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۳۰۶) به گونه‌ای که ناشز نبودن زن بدون هیچ خلافی در این

امر تحقق یابد و هر زمان و مکانی را که در آن استمتاع حلال باشد، شامل شود. (نجفی، ۱۴۰۴، ص ۳۰۳) مگر در مواردی که به عنوان عذر در متون و نصوص فقهی از تمکین معاف است.

در برخی مواضع و حالات زوجه مانند حیض و نفاس یا محرم بودن و روزه واجب و نیز در ایلاء و ظهار، آمیزش منع شده است. (حلبی، ۱۴۱۷ ه. ق. ص ۳۶۳) همچنین در فرض بیماری زوج و خوف ضرر به حق زوجه در خودداری از تمکین حکم داده اند (طوسی، ۱۳۸۷، ص ۳۱۷). افزون بر آن، در صورت اعمال حق حبس از ناحیه زوجه، جواز خودداری از تمکین برای وی وجود دارد (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۱/۳۱).

با این توصیف، در روابط زناشویی، اصل بر تمکین زوجه است، اما آیا می توان آمادگی نداشتن زوجه برای تمکین را به عنوان حریم خصوصی جسمانی او محترم شمرد و حق حریم خصوصی را اهم تلقی کرده و مقدم دانست؟ برخی از نویسندگان حقوق معتقدند که در چنین شرایطی، باید حریم خصوصی زوجه محترم شناخته شود (رحمدل، ۱۳۸۴، ص ۱۱۹-۱۴۶؛ زیرا با پذیرش تسلط زن بر بدن خود، محتمل است ارضای نیاز جنسی همسر بدون رضایت و داشتن آمادگی زوجه، نقض حریم خصوصی او قلمداد شود. از منظر اسلام نیز رضایت باطنی زوجه و آمادگی وی برای آمیزش، شرط اخلاقی برای تمکین است و بر تأمین رضایتمندی زوجین در آمیزش جنسی توجه شده است (کریمیان اصقلانی، ۱۳۹۲، ۷۸).

افزون بر آن، استناد به قاعده کلی معاشرت به معروف، موضوع بحث را نیز شامل می شود. چنانچه برخی از فقهای حنفی (دمشقی حنفی، ۱۴۱۲، ۲۰۳/۳ و امامیه به این نکته توجه کرده اند که اگر مرد درشت هیکل و زن نحیف و لاغر بوده و نزدیکی با او احتمال ضرر و خطر داشته باشد، شوهر حق ندارد با او آمیزش کند؛ زیرا معاشرت به معروف که فرمان قرآن است، اقتضا میکند نزدیکی به گونه ای باشد که زن و شوهر از آن لذت برند (طوسی، ۱۳۸۷، ۱۳/۶).

از نظر برخی حقوق دانان، هر نوع گفتار یا رفتاری از جانب دارنده حریم خصوصی که دال بر عدول از حریم خصوصی اوست، وی را از حمایت های حریم خصوصی محروم می کند. (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۳۷) بنابراین، می توان گفت وقتی که زن با وجود نداشتن آمادگی برای رابطه جنسی، جسمش را برای تمکین در اختیار شوهر قرار می دهد، به عبارتی از حریم خصوصی خود عدول کرده است.

با توجه به مباحث فوق درباره اقدام و اهم بودن تمکین یا حریم جسمانی زوجه باید گفت اگرچه زوجه مکلف به تمکین است و باید نیاز جنسی همسرش را برآورد، نظر به عرفی بودن حدود

تمکین (مهریزی، ۱۳۸۲، ص ۳۰۴) و حاکمیت اصل معروف در زندگی خانوادگی، زوج باید شرایط جسمانی همسرش را در نظر بگیرد؛ زیرا اگر به شرایط و احساسات زوجه توجه نداشته و تنها به ارضای نیاز جنسی خود بیاندیشد، مسلم است رفته رفته روابط سرد و کمرنگ، جایگزین کانون گرم خانواده خواهد شد. بنابراین، تحکیم زندگی خانوادگی اقتضا میکند که زوج، حسن معاشرت و رعایت توصیه‌های روایی را در روابط جنسی، سرلوحه خود قرار دهد (پور عبدالله، جیلزاده، ۱۳۹۳، ص ۳۹).

۴. نتیجه‌گیری

حریم خصوصی، یکی از اساسی‌ترین مصادیق حقوق بشر است. این حریم، به عنوان یکی از حقوق بنیادین شهروندان، با حفظ شأن، کرامت، شخصیت، استقلال فردی، توسعه روابط شخصی، گسترش صمیمیت و امنیت روانی پایدار و دیگر ارزش‌های مهم انسانی، ارتباطی عمیق دارد. حریمی که هیچ کس بدون مجوز، حق ورود به آن را نداشته و باید مصون و ایمن بماند. رعایت این حریم در روابط انسانی بسیار مهم ارزیابی شده است.

با توجه به ماهیت جمعی خانواده، اهمیت احترام به حریم خصوصی در خانواده نیز به عنوان بنیادی‌ترین نظام اجتماعی آشکار است. با تشکیل زندگی مشترک و به دلیل وابستگی عاطفی عمیق زوجین، هیچ حریمی بین زوجین وجود ندارد، اما باید گفت که این مسئله در روابط زوجین نیز خالی از وجه نبوده و هریک از همسران با اتکا به شخصیت مستقل و حقوق مسلم انسانی خویش، این حق را داشته و می‌توانند حریم خود را در زندگی مشترک حفظ کنند تا جایی که احترام به حریم خصوصی از جانب هریک از زوجین را می‌توان از موارد حسن معاشرت دانست. بنابراین، حریم خصوصی در روابط زوجین عبارت است از گستره‌ای از اطلاعات، ارتباطات و جسم هریک از زوجین که یا به حسب انتظار متعارف آنها و یا به حکم قانون، انتظار دارد دیگری آن را نظارت و مشاهده نکرده و از دسترسی و تعرض مصون بماند.

فهرست منابع

* قرآن کریم.

۱. امامی، حسن (بی‌تا). حقوق مدنی. تهران: اسلامیه.
۲. انصاری، باقر (۱۳۹۰). حقوق حریم خصوصی. تهران: سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها.
۳. البخاری الجعفی، محمد بن اسماعیل (۱۴۰۷). صحیح بخاری. بیروت: دارالینکبیر.
۴. بهسودی، محمد سرور حسینی (۱۴۱۰). مصباح‌الاصول. قم: مکتبه الداوری.

۵. پورعبدالله، کبری.. و جیل زاده، سمانه (۱۳۹۳). حل تراحیم حریم خصوصی زوجین با حقوق زوجیت براساس مصلحت تحکیم خانواده. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۶۶(۱۷).
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۱). زن درآینه جمال و جلال. قم: اسراء.
۷. حلبی، ابن زهره، ابن زهره، غنیه النزوع الی علمی الاصول والفروع، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، ۱۴۱۷ه. ق.
۸. دمشقی الحنفی، ابن عابدین (۱۴۱۲). الدر المختار و حاشیه ابن عابدین (رد المحتار). بیروت: دارالفکر.
۹. رحمدل، منصور (۱۳۸۴). حق انسان بر حریم خصوصی. مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. شماره ۷۰.
۱۰. طباطبایی، محمد حسین (۱۴۱۷). المیزان فی تفسیر القرآن. بیروت: مؤسسه الاعلمی للمطبوعات.
۱۱. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۱۵). تفسیر صافی. تهران: صدر.
۱۲. قمی مشهدی، محمد رضا (۱۳۶۸). تفسیر کنز الدقائق و بحر الغرائب. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۳. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۴. کریمیان اصقلانی، علی (۱۳۹۲). مبانی اخلاق جنسی در اسلام. گیلان: دانشگاه گیلان.
۱۵. مجلسی، محمد باقر (۱۴۰۳). بحار الانوار. بیروت: دار احیاء.
۱۶. حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البیت علیه السلام.
۱۷. مقدادی، محمد مهدی (۱۳۸۵). ریاست خانواده. تهران: شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۱۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۴). کتاب النکاح. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱۹. مهریزی، مهدی (۱۳۸۲). شخصیت و حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
۲۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). المبسوط فی فقه الامامیه. تهران: المکتبه المرتضویه لإحیاء الآثار الجعفریه.
۲۱. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۲۲). استفتائات. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۲۲. موسوی گلپایگانی، محمد رضا (۱۴۱۳). ارشاد السائل. بیروت: دار الصفوه.
۲۳. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۲۴. نقیبی، ابوالقاسم (۱۳۸۹). حریم خصوصی در مناسبات و روابط اعضای خانواده. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی. پرتال جامع علوم انسانی.